

ازدواج فرزندان آدم (ع)

تناسل طبقه اول انسان، یعنی آدم و همسرش از راه ازدواج بوده است که نتیجه‌اش متولد شدن پسران و دخترانی و به عبارت دیگر خواهران و برادرانی گردیده است...



تناسل طبقه اول انسان، یعنی آدم و همسرش از راه ازدواج بوده است که نتیجه‌اش متولد شدن پسران و دخترانی و به عبارت دیگر خواهران و برادرانی گردیده است و در این باره بحثی نیست، بحث در این است که طبقه دوم بشر یعنی همین خواهران و برادران چگونه و با چه کسی ازدواج کرده‌اند؟ آیا ازدواج در بین خود آنان بوده و یا به طریقی دیگر صورت گرفته است؟ از ظاهر اطلاق آیه شریفه زیر که می‌فرماید: "و بث منهما رجالا کثیرا و نساء..." به بیانی که گذشت بر می‌آید که در انتشار نسل بشر غیر از آدم و همسرش هیچ کس دیگری دخالت نداشته، و نسل موجود بشر منتهی به این دو تن بوده و بس، نه هیچ زنی از غیر بشر دخالت داشته، و نه هیچ مردی، چون قرآن کریم در انتشار این نسل تنها آدم و حوا را مبدا دانسته، و اگر غیر از آدم و حوا مردی یا زنی از غیر بشر نیز دخالت می‌داشت، می‌فرمود: "و بث منهما و من غیرهما"، و یا عبارتی دیگر نظیر این را می‌آورد تا بفهماند که غیر از آدم و حوا موجودی دیگر نیز دخالت داشته و معلوم است که منحصر بودن آدم و حوا در مبدایت انتشار نسل، اقتضا می‌کند که در طبقه دوم ازدواج بین خواهر و برادر صورت گرفته باشد.

و اما اینکه چنین ازدواجی در اسلام حرام است و بطوری که حکایت شده در سایر شرایع نیز حرام و ممنوع بوده ضرری به این نظریه نمی‌زند، برای اینکه تحریم حکمی است تشریحی، که تابع مصالح و مفاسد است، نه حکمی تکوینی (نظیر مستی آوردن شراب) و غیر قابل تغییر، و زمام تشریح هم به دست‌خداوند سبحان است، او هر چه بخواهد می‌کند و هر حکمی بخواهد می‌راند، چه مانعی دارد که یک عمل را در روزی و روزگاری جایز و مباح کند، و در روزگاری دیگر حرام نماید، در روزی که جز تجویزش چاره‌ای نیست تجویز کند و در روزگاری دیگر که این ضرورت در کار نیست تحریم کند، ازدواج خواهر و برادر را در روزگاری که تجویزش باعث شیوع فحشا و جریحه‌دار شدن عفت عمومی نمی‌شود تجویز کند و در روزگاری دیگر که باعث این محذور می‌شود تحریم کند. خواهی گفت که تجویز چنین ازدواجی هم مخالف با فطرت بشر و همچنین، مخالف با شرایع انبیا است که آن نیز طبق فطرت است، همچنان که خدای عز و جل فرموده: "فاقم وجهک للالدین حنیفا فطرت الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلک الدین القیم" (1)، و حاصل مفاد آیه این است که شرایع الهی همه مطابق با فطرت است و دین پایدار هم دینی است که چنین باشد. در پاسخ می‌گوئیم: این سخن که ازدواج خواهر و برادر منافای با فطرت باشد درست نیست و فطرت چنین ازدواجی را صرفا به خاطر اینکه ازدواج خواهر و برادر است نفی نمی‌کند و از آن تنفر ندارد، بلکه اگر نفی می‌کند و اگر از آن تنفر دارد برای این است که باعث شیوع فحشا و منکرات می‌شود و باعث می‌گردد غریزه عفت باطل گردد و عفت عمومی لکه‌دار شود. و پر واضح است که شیوع فحشا بوسیله ازدواج خواهر و برادر در زمانی است که جامعه گسترده‌ای از بشر وجود داشته باشد و اما در روزگاری که در تمامی روی زمین غیر از چند پسر و چند دختر از یک پدر و مادر وجود ندارند و از سوی دیگر مشیت‌خداوند تعالی تعلق گرفته که همین چند تن را زیاد کند، و افرادی بسیار از آنان منشعب سازد، دیگر عنوان فحشا بر چنین ازدواجی منطبق و صادق نیست.

پس اگر انسان امروز از چنین تماس و چنین جماعی نفرت دارد به خاطر علتی است که گفتیم، نه اینکه به حسب فطرت از آن متنفر باشد، به شهادت اینکه می‌بینیم مجوسیان در قرنهای طولانی (بطوری که تاریخ ذکر می‌کند) ازدواج بین خواهر و برادر را مشروع می‌دانستند و از آن متنفر نبودند و هم اکنون بطور قانونی در روسیه (بطوری که نقل شده) و نیز بطور غیر قانونی یعنی به عنوان زنا در اروپا انجام می‌شود.

یکی از عادات که در این ایام در ملل متمدن اروپا و آمریکا معمول است این است که دوشیزگان قبل از ازدواج قانونی و قبل از رسیدن به حد بلوغ سنی ازدواج، بکارت خود را زایل می‌سازند و آماری که در این باره گرفته شده به این نتیجه رسیده که بعضی از این افضاها از ناحیه پدران و برادران دوشیزگان صورت می‌گیرد. بعضی‌ها گفته‌اند: اینگونه ازدواج با قوانین طبیعی یعنی قوانینی که قبل از پیدایش مجتمع صالح در بشر به منظور سعادتش، در انسان‌ها جاری بوده نمی‌سازد، زیرا اختلاط و انسی که در بین افراد یک خانواده برقرار است غریزه شهوت و عشق ورزی و میل غریزی را در بین خواهران و برادران باطل می‌کند، و به قول مونتسکیو حقوقدان معروف در کتابش روح القوانين: "علاقه خواهر برادری غیر از علاقه شهبانی بین زن و مرد است" لیکن این سخن درست نیست.

اولا: به همان دلیلی که خاطر نشان کردیم و ثانيا: به فرض هم که قبول کنیم منحصر در موارد معمولی است، نه در جایی که ضرورت آن را ایجاب کند، یعنی قوانین وضعی طبیعی نتواند صلاح مجتمع را تامین کند که در چنین صورتی چاره‌ای جز این نیست که قوانین غیر طبیعی مورد عمل قرار گیرد و اگر قرار باشد بطور کلی جز قوانین طبیعی پذیرفته نشود، باید بیشتر قوانین معمول و اصول دایر در زندگی امروز هم دور ریخته شود، (در متن عربی کلمه "لا" در جمله "بما لا تکن" غلط است).

بحث روایتی

(در باره خلقت آدم، صلح رحم و...)

در کتاب توحید از امام صادق ع روایتی آورده که در ضمن آن به راوی فرموده: شاید شما گمان کنید که خدای عز و جل غیر از شما هیچ بشر دیگری نیافریده، نه، چنین نیست، بلکه هزار هزار آدم آفریده که شما از نسل آخرین آدم از آن آدم‌ها هستی (2).

مؤلف قدس سره: ابن میثم نیز در شرح نهج البلاغه خود حدیثی به این معنا از امام باقر ع نقل کرده (3) و صدوق نیز همان را در کتاب خصال خود آورده (4). و در خصال از امام صادق ع روایت آورده که فرمود: خدای عز و جل دوازده هزار عالم آفریده که هر یک از آن عوالم از هفت آسمان و هفت زمین بزرگتر است و هیچیک از اهالی یک عالم به ذهنش نمی‌رسد که خدای تعالی غیر عالم او عالمی دیگر نیز آفریده باشد (5).

و در همان کتاب از امام باقر ع روایت کرده که فرمود: خدای عز و جل در همین زمین از روزی که آن را آفریده، هفت عالم خلق کرده (و سپس بر چیده) و هیچیک از آن عوالم از نسل آدم ابو البشر نبودند و خدای تعالی همه آنها را از پوسته روی زمین آفرید و نسلی را بعد از نسل دیگر ایجاد کرد و برای هر یک عالمی بعد از عالم دیگر پدید آورد تا در آخر آدم ابو البشر را بیافرید و ذریه‌اش را از او منشعب ساخت... (6).

و در نهج البیان شیبانی از عمرو بن ابی المقدم از پدرش ابی المقدم روایت آورده که گفت: من از امام ابی جعفر ع پرسیدم: خدای عز و جل حوا را از چه آفرید؟ فرمود: این مردم در این باره چه می‌گویند؟ عرضه داشتیم: می‌گویند او را از دنده‌ای از دنده‌های آدم آفرید، فرمود: دروغ می‌گویند، مگر خدا عاجز بود که او را از غیر دنده آدم خلق کند؟ عرضه داشتیم: فدایت شوم پس او را از چه آفرید؟ فرمود: پدرم از پدران بزرگوارش نقل کرده که گفتند:

رسول خدا(ص) فرمود: خدای تبارک و تعالی قبضه‌ای(مشتی) از گل را قبضه کرد و آن را با دست راست خود مخلوط نمود(که البته هر دو دست او راست است) و آنگاه آدم را از آن گل آفرید و مقداری زیاد آمد حوا را از آن زیادی خلق کرد (7) .

مؤلف قدس سره: نظیر این روایت را مرحوم صدوق از عمر و نامبرده نقل کرده و در این میان روایاتی دیگر نیز هست که دلالت دارد بر اینکه حوا را از پشت آدم یعنی از کوتاهترین ضلع او(که سمت چپ او است) خلق کرده و همچنین در تورات در فصل دوم از سفر تکوین چنین آمده، لیکن هر چند چنین چیزی فی نفسه مستلزم محال عقلی نیست، اما آیات کریمه قرآن از چیزی که بر آن دلالت کند خالی است (8) .

و در احتجاج از امام سجاد آمده که در حدیثی و گفتگویی که با مردی قرشی داشته سخن بدینجا رسانده که: "هابیل"، با "لوزا" خواهر همزای "قابیل" ازدواج کرد و "قابیل" با "اقلیما"، همزای هابیل، راوی می‌گوید: مرد قرشی پرسید: آیا هابیل و قابیل خواهران خود را حامله کردند؟ فرمود: آری، مرد عرضه داشت: اینکه عمل مجوسیان امروز است، راوی می‌گوید: حضرت فرمود: مجوسیان اگر این کار را می‌کنند و ما آن را باطل می‌دانیم برای این است که بعد از تحریم خدا آن را انجام می‌دهند، آنگاه اضافه نمود: منکر این مطلب نباش برای اینکه درستی این عمل در آن روز و نادرستیش در امروز حکم خدا است که چنین جاری شده، مگر خدای تعالی همسر آدم را از خود او خلق نکرد؟ در عین حال می‌بینیم که او را بر وی حلال نمود، پس این حکم شریعت آن روز فرزندان آدم و خاص آنان بوده و بعدها خدای تعالی حکم حرمتش را نازل فرمود... (9) .

مؤلف قدس سره: مطلبی که در این حدیث آمده موافق با ظاهر قرآن کریم و هم موافق با اعتبار عقلی است، ولی در این میان روایات دیگری است که معارض با آن است و دلالت دارد بر اینکه اولاد آدم با افرادی از جن و حور که برایشان نازل شدند ازدواج کردند، (و این روایات با اعتبار عقلی درست در نمی‌آید، زیرا خلقت جن و حوریان بهشتی مادی نیست و غیر مادی نمی‌تواند فرزند مادی بزاید) و خواننده محترم از آنچه گذشت حق مطلب را دریافت نمود.

پی‌نوشتها:

(1) "سوره روم آیه 30"

(2) توحید ص 277 ج 2 طبع طهران.

(3) شرح نهج البلاغة ابن میثم ج 1 ص 173

(4) خصال ج 2 ص 652 ح 54.

(5) خصال ج 2 ص 639 ح 14.

(6) خصال ج 2 ص 358 ح 45.

(7) تفسیر برهان ج 1 ص 336 ح 10.

(8) علل الشرایع ج 1 ص 17 ج 17 ح 1.

(9) احتجاج طبرسی ج 2 ص 44 طبع نجف.

نویسنده: علامه طباطبایی کتاب: تفسیر المیزان ج 4 ص 228